



Sociological analysis and explanation of the structure and function of economic-social development and sustainable development in Iran since 1357-1400

Ayoub Mahmoudi¹, Seifollah Seifollahi^{2*}, Tahmourth Shiri³, Samad Rasulzadeh Aghdam⁴

(Received: 2023/01/06 - Final acceptance: 2023/05/27)


Abstract:

The goal of sustainable development is to meet the needs of wealth, the future and reach a balanced situation in social, economic and environmental dimensions. In fact, sustainable development of digital currency is development. Despite the existence of the necessary potentials for socio-economic development, Iran's social system is a one-dimensional development that has taken on the state of socio-economic anomie. The purpose of this article is the sociological analysis and explanation of the structure and function of economic-social development and sustainable development in Iran from 1357-1400. The method used in this documentary article is the content analysis technique and Dr. Saifullahi's indigenous approach including: geographical-climatic, living-social, ethnic-demographic, cultural and managerial-political elements. Also, two components of specificity and local development have been considered by the authors in the research process. The obtained findings indicate that the lack of attention and recognition of the development structures in Iran is the cause of the current situation and its unstable development. As a result: (1) The instability of Iran's development is due to internal conditions, external conditions and the world system. (2) oil budgeting and budgeting has made Iran's development suffer from oil-oriented reductionism. (3) Recently, this topic has changed from oilism to factional-political reductionism. Finally, all of these cases have played a major role in the criticality and occurrence of various social problems and harms such as poverty, addiction, prostitution, suicide, fashionable abnormality, inflation, proofism, lampoonism, excessive use of natural resources and environmental destruction.

Key words: structure-function of development, economic-social development, sustainable development, Iran.

¹ PhD student in Sociology, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran

ayyoubmahmoudi@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Sociology, Tehran Islamic Azad University of Sciences and Research, Tehran, Iran (corresponding author) 

Dr.seyfolahi@rped-almizan.ir

³ Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran hiri.tahmures@gmail.com

⁴ Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran s.rasulzadeh@azaruniv.ac.ir



jscc.2023.1961618.2026/10.30495



تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی و توسعه پایدار در ایران از سال ۱۴۰۰-۱۳۵۷

(۱) ایوب محمودی^۱، (۲) سیف‌الله سیف‌اللهی^{۲*}، (۳) طهمورث شیری^۳، (۴) صمد رسول‌زاده اقدم^۴
(دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶)

چکیده:

هدف توسعه پایدار تامین نیازهای مال، آینده و رسیدن به وضعیت متوازن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است. در واقع توسعه پایدار ارز دیجیتال توسعه است. نظام اجتماعی ایران علیرغم وجود پتانسیل‌های لازم جهت توسعه اقتصادی-اجتماعی، توسعه‌ای تک بعدی است که حالت آنومی اقتصادی-اجتماعی به خود گرفته است. هدف این مقاله تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه پایدار در ایران از سال ۱۳۵۷-۱۴۰۰ می‌باشد. روش بکار رفته در این مقاله اسنادی، تکنیک مورد استفاده تحلیل محتوی و از رویکرد بومی دکتر سیف‌اللهی شامل: عناصر جغرافیایی- اقلیمی، معیشتی- اجتماعی، قومی- جمعیتی، فرهنگی و مدیریتی- سیاسی استفاده شده است. همچنین دو مؤلفه خاص‌گرایی و توسعه محلی توسط نگارندگان در فرآیند پژوهش منظور گردیده است. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که عدم توجه و شناخت ساختارهای توسعه در ایران به وجود آورنده وضعیت فعلی و توسعه ناپایدار آن می‌باشد. در نتیجه: (۱) ناپایداری توسعه ایران، به دلیل شرایط داخلی، شرایط خارجی و نظام جهانی است. (۲) بودجه بندی و بودجه‌ریزی نفتی، توسعه ایران را دچار تقلیل‌گرایی از نوع نفت‌گرایی ساخته است. (۳) اخیراً این موضوع از نفت‌گرایی به سمت تقلیل‌گرایی جناحی- سیاسی تغییر یافته است. نهایتاً تمامی این موارد در بحرانی شدن و بروز مشکلات و آسیب‌های مختلف اجتماعی از قبیل فقر، اعتیاد، فحشا، خودکشی بی‌هنجاری مدگرایانه، تورم، مدرک‌گرایی، لمپن‌گرایی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست نقش اساسی داشته است.

واژگان کلیدی: ساختار - کارکرد توسعه، توسعه اقتصادی- اجتماعی، توسعه پایدار، ایران.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران ayyoubmahmoudi@yahoo.com
 ۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
 Dr.seyfolahi@rped-almizan.ir
 ۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران shiri.tahmures@gmail.com
 ۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران s.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir



مقدمه:

مسأله توسعه یکی از مسائل مهم در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. جامعه ایران همانند جوامع در حال توسعه دیگر در دهه‌های اخیر به دنبال دستیابی به توسعه بوده است. اما اکثر صاحب‌نظران، اندیشمندان توسعه و جامعه‌شناسان از توسعه و تعریف توسعه برداشت متفاوتی دارند و این برداشت متفاوت از توسعه در عدم توسعه‌یافتگی نقش مؤثر و مهمی دارد. توسعه یک پدیده چند بعدی است و نمی‌توان فقط با شاخص‌های کمی صرفاً مانند درآمد سرانه و ازدیاد پس‌انداز سنجش نمود. به عبارت دیگر نوعی دگرگونی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در عناصر، لایه‌ها و ساختارهای جامعه جهت دستیابی به هدف‌ها و رفع نیازهای انسان و جامعه است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۳۸).

حال نگارندگان در تعریف توسعه معتقدند که توسعه نوعی تغییر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در زندگی و توجه به محیط انسانی و محیط زیست است که کنشگران و جوامع از این طریق می‌توانند وضعیت خود را از ناپایدار و نامطلوب به پایدار و مطلوب در جهت رفاه، کیفیت زندگی بهتر و... تغییر دهند. با نگاهی به وضعیت اقتصادی-اجتماعی و ساختارهای توسعه پس از انقلاب اسلامی، به ویژه دهه اخیر به نظر می‌رسد که عدم سیاست‌گذاری متناسب با ساختارهای موجود جامعه باعث شده که نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کارکرد مناسبی نداشته باشد. نبود ساختار و بستر لازم برای برون رفت از این مشکلات به یکی از مساله مهم توسعه نیافتگی ساختاری و کارکردی ایران تبدیل شده است. توسعه نیافتگی ساختاری و کارکردی راه توسعه پایدار را بسته و کشور نمی‌تواند از این بن‌بست‌رهایی یابد. تغییرات ناگهانی و نارسایی‌های عمیق در شاخص‌های مهمی چون فقر، بیکاری، گرانی، تورم افسارگسیخته، اختلاس، احتکار، نرخ ارز، کسری بودجه، نابودی منابع طبیعی و محیط زیست، صادرات واردات، حاشیه‌نشینی، انواع آسیب‌های اجتماعی، اثباتی بر این مدعا و نشان از عدم وجود سیاست‌های یکپارچه و استوار بر توسعه یافتگی و توسعه پایدار دارد.

سیف‌اللهی^۱ معتقد است به طور کلی فرآیند پیدایش روابط اجتماعی ناعادلانه نشأت گرفته از عملکرد ساختار ناموزون نظام اجتماعی است. از جمله ویژگی‌های این ساختار ناموزون جامعه ایران، ناهمگونی میان ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی-اقلیمی^۲، قومی-جمعیتی^۳، معیشتی-اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی است (همان: ۵۷). که عدم توجه به این موارد در کم‌توجهی به توسعه پایدار و دوری از آن نقش دارد.

1 . Seyfollahi
2 . Climate Geographic
3 . Population



از نظر پیرس^۱ (۲۰۰۷) کامل‌ترین تعریف توسعه پایدار مشتمل بر دو مفهوم کلیدی است: نخست مفهوم نیاز به ویژه نیازهای اساسی فقرای جهان که باید به آن اولویت داده شود. و دوم ایده محدودیت‌های تحمیل شده از سوی وضعیت فناوری و سازماندهی اجتماع بر توانایی زیست بوم برای تأمین نیازهای حال و آینده (کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۸۷: ۴۳).

نگارندگان در تعریف توسعه پایدار بر این باورند که: توسعه پایدار اندیشیدن و عمل کردن به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آیندگان در زمان حال با تفکر جهانی (Global Thinking) است؛ اما راه حل منطقه‌ای (Local Solution) در توسعه پایدار بدین معنی است که اگر تفکر جهانی نداشته باشیم در راه حل منطقه‌ای نمی‌توانیم بین مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ناپایداری توسعه، تعادل ایجاد کنیم.

با توجه به اینکه مسائل و مشکلات مرتبط با توسعه اقتصادی- اجتماعی و سایر حوزه‌ها روز به روز افزایش می‌یابد به طوری که در حال حاضر وضعیت توسعه پایدار ایران در دهه‌های گذشته بر اساس مرور مستندات و مقایسه شاخص‌های کمی وضعیت فعلی کشور نسبت به دهه‌های گذشته در بعضی شاخص‌ها بهبود یافته، اما در شاخص‌های دیگر وضعیت، علاوه بر اینکه تغییر چندانی نکرده بلکه معکوس هم شده است. بنابراین، نسبت به شاخص‌های جهانی و منطقه‌ای وضعیت توسعه پایدار چندان تعریفی ندارد. وضعیت نامناسب توسعه اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار جامعه ایرانی، در مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با درجات متفاوت در مناطق مختلف کشور کاملاً مشهود و قابل لمس است. با توجه به مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در حال حاضر جامعه ایرانی با چنین مسأله اقتصادی- اجتماعی مواجه بوده و توجه دو چندان متولیان امر را می‌طلبد.

هدف کلی تحقیق:

مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی وضعیت، عوامل، پیامدهای ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی و ارائه راهکار و پیشنهادات با تأکید بر توسعه پایدار ایران می‌باشد. نویسندگان با مطالعه مستندات مهم درخصوص موضوع مقاله و با بررسی اسناد مربوط به توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران تلاش کرده‌اند راهکار و پیشنهادات لازم را درخصوص حصول نتیجه بهتر در توسعه همه جانبه کشور ارائه نمایند.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

هر جامعه‌ای متشکل از سرمایه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی است که بها دادن و توجه به این عوامل می‌تواند در دستیابی به توسعه پایدار نقش مهمی داشته باشد اما بی‌توجهی به

1 . Pearce



توسعه پایدار و توسعه باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای مانند مهاجرت بی‌رویه، خالی از سکنه شدن روستاها، حاشیه‌نشینی، فقر، فاصله طبقاتی، شکاف نسلی، تضاد طبقاتی، ناعدالتی منطقه‌ای می‌شود. حال توجه و اهمیت دادن به توسعه پایدار در رفاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آینده‌نگری زیست محیطی، کیفیت زندگی و سایر عوامل نقش تعیین کننده‌ای در هر جامعه‌ای دارد و جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. متأسفانه مدیران، سیاست‌گذاران، وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه پایدار در ایران هیچ نگاه کارشناسی و تخصصی برای این امر ندارند. مشکلات زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مؤیدی بر این امر است.

با توجه به اهمیت عناصر و مؤلفه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی در توسعه پایدار، باید تلاش نمود تا در تمام سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه توسعه، همواره بعد اقتصادی- اجتماعی را مورد توجه قرار داد. زیرا هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه توسعه پایدار بدون توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی اثربخش نخواهد بود.

براساس شاخص‌های توسعه می‌توان گفت کشور با چالش‌های مهمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار مواجه است این چالش‌ها اگر با برنامه و سیاست‌گذاری‌های مناسب مورد توجه قرار نگیرد؛ کشور در آینده نه چندان دور با بحران‌های مختلف اجتماعی، تنازعات قومی، خاص‌گرایی، عدم توسعه محلی، خشکسالی و درگیری‌های آبی مواجه خواهد شد. پس برای گریز و دوری از این مشکلات باید نهادهای متولی، مسئولین و عامه مردم با همدلی، مشارکت دلسوزانه، فعالانه و با برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر اصول علمی و محلی گام‌های اساسی را برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار بردارند.

در این مقاله بیشتر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران و توسعه پایدار ایران مد نظر می‌باشد. مسلماً بین ساختارهای توسعه و کارکرد آن با توسعه پایدار رابطه متقابلی وجود دارد. نگارندگان معتقدند که ساختارهای توسعه به خصوص اقتصادی- اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه و توسعه پایدار می‌باشد اگر ساختار توسعه در هر جامعه‌ای به درستی پیاده شود. وضعیت جامعه از حالت نامتوازن و ناپایدار به حالت متوازن و پایدار تغییر می‌یابد و در نتیجه کارکرد متوازی را هم برای توسعه و خصوصاً توسعه پایدار رقم می‌زند. از مسائل و مشکلاتی که در صورت عدم توجه به ساختار توسعه و توسعه پایدار در ایران می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از:

- عملیاتی نشدن برنامه‌های پنج ساله توسعه، که بخش عظیمی از بودجه کشور را تحت شعاع خود قرار داده است.

- عدم توجه به ساختار و گفتمان توسعه که نتیجه آن عدم دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد.

- کسری بودجه، رانت و اختلاس، به وجود آمدن طبقات تن‌آسای بی‌کارکرد و کژکارکرد که راه را بر توسعه و توسعه پایدار بسته است.



- نبود پیوست‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در طرح‌های توسعه و توسعه پایدار و مهندس‌زدگی و مدرک‌گرایی جامعه.

- بروز مشکلات عدیده اقتصادی، مانند: بیکاری و نبود اشتغال، تورم افسار گسیخته، گرانی و...، اجتماعی، مانند: کیفیت زندگی پایین، نبود رفاه اجتماعی، مهاجرت و فرار مغزها، فقیر شدن قشر عظیمی از مردم و ادغام طبقه متوسط با طبقه فقیر، آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، خودکشی و نوع جدیدی از خودکشی که پژوهشگران آن را خودکشی بی‌هنجاری مدگرایانه نامیده‌اند، اعتیاد، زباله‌گردی زنان، تغییر جنسیتی و

زیست محیطی، مانند: آلودگی آب، نابودی مراتع و جنگل‌ها، تخریب و نابودی سفره‌های زیرزمینی آب، کوه‌خواری، دریاخواری، بیابان‌زایی، خشکسالی، تغییرات اقلیمی و....

مبانی و چارچوب نظری:

بسیاری از تحلیل‌های تاریخ معاصر ایران رنگ و بوی مارکسیستی و نئومارکسیستی دارد. محققانی که رویکرد جامعه‌شناختی یا اجتماعی در قبال تاریخ یک قرن گذشته ایران داشته‌اند، بیشتر نقطه عزیمت‌شان برخورد ایران با نظام اقتصادی- سیاسی در حال گسترش جهانی است. آن‌ها به شکل مشخص و منسجم از رویکرد نئومارکسیستی استفاده نمی‌کنند، اما تحلیل‌هایشان در سطوح مختلف و به نسبت‌های متفاوت، شباهت‌هایی با رویکرد نئومارکسیستی دارد. بسیاری از نویسندگان و محققان ایرانی نیز در این جرگه هستند. از این زمره می‌توان به احمد اشرف، محمدعلی همایون کاتوزیان، یروند آبراهامیان و ژانت آفاری و بسیار نویسندگان چپ‌گرا و مارکسیست اشاره کرد. نظریه‌های مانند استبداد شرقی و «استبداد آب» شیوه تولید آسیایی که از آراء مارکس، انگلس و ویتفولگ برگرفته شده‌اند، الهام‌بخش بسیاری از محققان و نویسندگان ایرانی در تحلیل تاریخ ایران و توسعه نیافتگی یا عقب‌ماندگی ایرانیان بوده است. برای مدتی نیز نظریه راه رشد غیر سرمایه‌داری مورد توجه مارکسیست‌های ایرانی قرار گرفت. اولیانوفسکی، اقتصاددان روس، از مهم‌ترین چهره‌های این رویکرد بود. در ابتدای انقلاب اسلامی ایران این رویکرد طرفداران بسیار داشت. در مجموع می‌توان اذعان کرد که برخی از این تحلیل‌ها اساساً در چارچوب مارکسیسم کلاسیک بوده، و برای تحلیل وضعیت معاصر ایران کارایی کافی را ندارد. درباره نویسندگانی مانند اشرف و کاتوزیان مسأله از سنخ دیگری است. گذشته از آن که آن‌ها خود را نئومارکسیست نمی‌دانند و برای نمونه کاتوزیان بر تمایز خود با آن دیدگاه‌ها تأکید دارد، این نکته را هم نباید از نظر دور نگاه داشت که بخشی از مفاهیم و شیوه تحلیل و میراث فکری مارکس و انگلس و حتی نویسندگان مارکسیست دیگر در علوم اجتماعی چنان رایج شده است که به صرف استفاده از آن‌ها نمی‌توان کسی را مارکسیست یا نئومارکسیست دانست، برای نمونه تحلیل طبقاتی برای بسیاری از محققان علوم اجتماعی امری بسیار بدیهی است، بدون آنکه آن‌ها لزوماً به رویکرد مارکسیستی وفادار



jscc.2023.1961618.2026/10.30495



باشند. باید این نکته را یادآور شد تمرکز بر رویکردهای خاص تر نئومارکسیستی درباره ایران مورد هدف این مقاله است. رویکردهایی که به جامعه معاصر ایران پرداخته باشند و بتوان آن‌ها را در پرتو تحولات ایران معاصر دوری و ارزیابی کرد.

تحلیل‌های مارکسیستی از عقب‌ماندگی و انحطاط ایران بیشتر در چارچوب نظریات حاکی از آن است که مراحل پیشرفت «وابستگی» است. مفاد نظریه «نظام جهانی» و «وابستگی» نظام سرمایه‌داری نوعی رابطه اقتصادی و وابستگی میان دو دسته از کشورها ایجاد می‌کند که به مقتضای آن سیر فزاینده عقب‌ماندگی یکی به فزاینده پیشرفت و شکوفایی دیگری منتهی می‌شود. اگرچه مکتب وابستگی از مارکسیسم نشأت می‌گیرد، ولی روابط امپریالیستی و وابستگی در کانون توجه مارکس نبود. اما متفکران بعدی با الهام از آثار او و همکاری انگلس حیطة بحث را از محیط داخلی کشورها به سطح روابط بین‌الملل گسترش دادند (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

وابستگی، از دیدگاه نظریه پردازان توسعه اروپا مبتنی بر تخریب سرزمین‌های دیگر بود: استیلای خشن، کنترل مستعمرات و غارت مردمان و منابع مازاد جوامع غیراروپایی. حاصل چنین فرایندی ایجاد دو قطب مرکز و پیرامون بود. جهان اول اروپایی به عنوان مرکز و جهان سوم غیراروپایی به عنوان پیرامون در نظام جهانی شکل گرفتند. پل باران، پل سوئیزی، آندره گوندر فرانک و سمیرامین از نظریه پردازان مکتب وابستگی بودند (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۵).

نظریه نظام‌های جهانی پیوندی آشکاری با مکتب وابستگی داشت. همچنین با مکتب تاریخ‌نگاری «آنال» نیز پیوند برقرار کرده بود. هدف مکتب آنال، نوسازی نظم تاریخی بود. مورخان مکتب آنال از تاریخ‌نگاری سنتی به دلیل ناکارآمدی و بی‌توجهی به واقعیت‌های عینی ناخرسند بودند و در مقابل از روش تطبیقی استفاده کردند که برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان جوامع به زمان زیادی نیاز داشت.

نماینده برجسته نظریه «نظام‌های جهانی» امانوئل والرشتاین است. والرشتاین سه حوزه اصلی اقتصادی (مرکز، نیمه پیرامون، پیرامون) را در نظام جهانی و با در نظر گرفتن تاریخ جهان، مرکز را به عنوان توسعه نظام واحد برمی‌شمرد (همان: ۱۶۳-۱۶۱). از جنبه تاریخی پیشرفته‌ترین فعالیت‌های اقتصادی مانند بانکداری، تولید صنعتی، کشاورزی پیشرفته فنی و غیر آن اشتغال داشته است. نیمه پیرامون در ترکیبی از فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارد که بخشی از این فعالیت‌ها به مرکز اختصاص داشته است؛ ولی بخش دیگر این فعالیت‌ها از ویژگی‌های نظام پیرامون است. در رده پایین‌تر، کشورهای پیرامونی قرار دارند که به تولید مواد خام برای صنایع دو نظام دیگر می‌پردازند (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۵).



jssc.2023.1961618.2026/10.30495



جدول ۱: نظریه‌های مرتبط با تحلیل ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران و توسعه پایدار

نظریه پردازان	نظریه
جان فوران	در ادامه بر پژوهش «مقاومت شکننده» نوشته جان فوران (فوران، ۱۳۹۰) دقت می‌کنیم که آشکارا و در قالبی منسجم نظریه وابستگی فالتو و کاردوسو را برای تحلیل تحولات اجتماعی ایران به کار گرفته است. از مزیت‌های این پژوهش آن است که همه چیز را به نظام اقتصاد جهانی فرو نمی‌کاهد و ساخت اجتماعی و طبقاتی ایران را نادیده نمی‌گیرد. تحلیل فوران از توسعه در عصر پهلوی دوم (آن را توسعه وابسته می‌خواند) صرفاً اقتصادی نیست. ملاحظات اجتماعی در آن پررنگ است. بدیهی است که پذیرش تحلیل‌های فوران تا حد بسیاری بسته به آن است که به چه میزان با پارادایم نئومارکسیستی توسعه و نظریه وابستگی همراه باشد. برخی نقدهایی که پیشتر برشمردیم این جا هم مصداق می‌یابند. غایت‌انگاری از آن جمله است و در این رویکرد به نظر می‌آید که محققان آنچه را که می‌خواهند سرانجام می‌یابند. از آن جا که مطابق نظریه وابستگی توسعه صنعتی ایران لاجرم باید وابسته باشد، این تحلیل در همان مسیر پیش می‌رود. این در حالی است که برخی نویسندگان یادآوری می‌کنند که میل به توسعه صنعتی در میان هیأت حاکمه ایران در آن زمان چنان شدید بوده که حکومت وقت برای تأسیس کارخانه ذوب آهن اصفهان به سراغ اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت؛ و در میان تعجب بلوک غرب و در اوج جنگ سرد کارخانه ذوب آهن اصفهان با مشارکت شوروی افتتاح شد (یوسفی،؟؟؟۱۳۹۳).
همایون کاتوزیان	کاتوزیان با نگاهی تاریخی به جامعه ایران، ضمن نقد نظریه «استبداد شرقی» و کسانی که این نظریه را در تحلیل وجود و تداوم استبداد در ایران به کار می‌گیرند معتقد است، در ایران قدیم هیچگاه نظام فئودالی از نوع فئودالیسم اروپایی وجود نداشته است و نظام تولید در ایران چیزی متفاوت از فئودالیسم اروپایی بوده است زیرا بخش بزرگی از زمین‌های زراعی مستقیماً در مالکیت دولت بود، و بخش دیگر به اراده دولت به زمین‌داران واگذار می‌شد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۷). از این رو دولت می‌توانست هرگاه اراده کند ملک زمین‌داری را به خود و یا به شخص دیگری واگذار کند و در نتیجه این امر زمین‌دار حق مالکیت نداشت، بلکه این فقط امتیازی بود که دولت به او می‌داد و هر زمان که می‌خواست از او پس می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۳).
سیف اله سیف الهی	توسعه اقتصادی - اجتماعی اخیر ایران را نمی‌توان تنها با توسل به اتفاقات و متکی به عواملی از قبیل: غرض ورزی‌های شخصی، بی‌توجهی و بی‌مبالاتی رهبران سیاسی، نبود امکانات و نیروی انسانی، روابط اجتماعی کهن و عوامل خارجی تبیین کرد. بلکه توسعه ناموزون اقتصادی- اجتماعی اخیر ایران فرآیند واقعیت‌های عینی و روابط اجتماعی داخلی است که در برخورد با عوامل خارجی، به شکل و ترکیب ویژه‌ای درآمده که در تاریخ اقتصادی ایران بی‌سابقه بوده است. به طور کلی، توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران تحت تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی ناموزون، ناهماهنگ و وابسته به عوامل داخلی و خارجی قرار دارد ایران در چند دهه اخیر، و به ویژه با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تمام تلاش خود را برای رهایی از زیر بار استکبار داخلی و خارجی به کار گرفته ولی هنوز نتوانسته است خود را از قید و بند اقتصاد پیرامونی برهاند. (سیف الهی، ۱۳۹۵: ۴۳).



jscc.2023.1961618.2026/10.30495



<p>کدی به چند عنصر مهم در تاریخ معاصر ایران اشاره می‌کند: خشکی سرزمین ایران، زوال زیست محیطی در بستر قرن ها و حضور گسترده ایلات کوچکتر از جمله فرمانروایی سران ایلات از قرن یازدهم میلادی چه در حکومت مرکزی و چه در مناطق وسیع و اساساً خودمختار، وضعیت پیش-مدرنی را به وجود می‌آورد که در آن برپایی حکومت مرکزی کارآمد دشوار بود و به ندرت تحقق می‌یافت. فرمانروایان برای حفظ قدرت ناگزیر بودند خواستهای سران محلی ایلات، زمینداران و علما را برآورده سازند و اغلب ارتباط چندانی با مردم محلی نداشتند جز این که بخشی از مالیات‌ها را از کسانی که آن‌ها را گرد می‌آورند بگیرند. در حالی که روش‌های حکومت‌داری غالباً خودکامه و استبدادی بود. تسلط مستقیم فرمانروایان بر ایالت‌های دوردست معمولاً اندک بود. در شرایط تزلزل قدرت حکومت، شورش‌ها و جنگ افروزی‌های مکرر ایلات - که کمتر مجالی برای ثبات دراز مدت باقی می‌گذاشت - مانع از رشد آن می‌شد (کدی، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳).</p>	<p>نیکي آر. کدی^۱</p>
<p>سرزمین پهناور ایران، موانع اقلیمی، سرمای زیر صفر درجه زمستان در بعضی از مناطق، مسئله کمبود آب از جمله مشکلات جدی است که سبب‌ساز بسیاری از ناگواری‌های اجتماعی موجود در ایران بوده است. که به سادگی نمی‌توان آن‌ها را برطرف کرد، و تنها یکی از دلایل عقب افتادگی ایران به شمار می‌روند. بخش اصلی این عقب افتادگی و تفاوت آن با غرب به خصوص در عصر مدرن، حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی را در بر می‌گیرد که بر خلاف موانع جغرافیایی می‌توان آن‌ها را مرتفع ساخت (علمداری، ۱۳۸۸: ۲۵).</p>	<p>کاظم علمداری</p>
<p>از نظر این دو دانشمند توسعه پایدار فرایند اصلاح و بهبود اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است که مبتنی بر فناوری و همراه با عدالت اجتماعی باشد به طریقی که اکوسیستم را آلوده و منابع طبیعی را تخریب نکند. عدالت اجتماعی را مد نظر قرار دهد و نابرابری‌های اجتماعی را از نظر فرهنگی و اقتصادی در مسیر خود بزدايد (اسلامی، ۱۳۸۱: ۴۵).</p>	<p>لمن و کاکس</p>
<p>دولین و یاپ از سیاسی بودن مفهوم توسعه پایدار سخن به میان آوردند و گفتند که توسعه، بدون فرهنگ راه به جایی نخواهد برد. از این نگاه توسعه پایدار عبارتست از: دگرگونی اساسی در شیوه تفکر - زندگی - تولید - مصرف و نیز شیوه‌ای که مابه دیگر انسان‌ها نگاه می‌کنیم. به این معنا درحقیقت عبارتست از یک «دگرگونی ذهنی بنیادی» (اکرمی، ۱۳۸۳: ۱۴).</p>	<p>دولین و یاپ</p>

رویکرد نظری:

پیدایش و شکل‌گیری فرآیند توسعه در هر جامعه‌ای بستگی به ارکان، اجزا، عناصر و مؤلفه‌های موزون، مطلوب و پایدار آن دارد. اگر جامعه‌ای می‌خواهد در مسیر توسعه قرار گیرد و توسعه یابد باید اجزا، عناصر و مؤلفه‌های آن (ساختار توسعه) به صورت هماهنگ، موزون و پایدار با یکدیگر ارتباط داشته باشند که نمونه بارز آن را در کشورهای پیشرفته جهان می‌بینیم و جوامعی که اجزا و مؤلفه‌های آن (ساختار توسعه) با یکدیگر ارتباط متناوب، مطلوب و موزون ندارند نمی‌توانند در مسیر توسعه قرار گیرند که اکثر کشورهای عقب مانده از توسعه را شامل می‌شود.

1 . Keddie, Nikki R

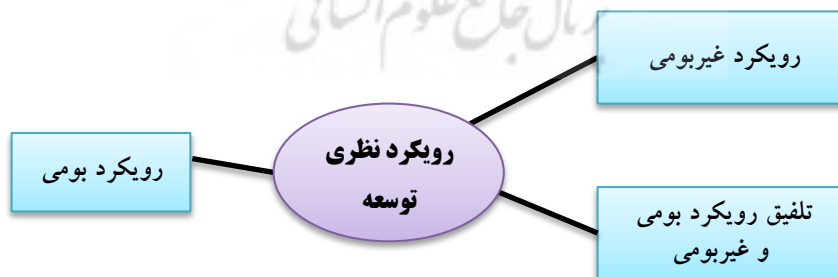


با بررسی و مطالعه واقعیت‌های موجود جامعه ایران در خصوص توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌توان گفت رویکرد و گفتمانی که بتواند به توسعه و توسعه پایدار ایران کمک کند وجود ندارد بلکه نامفهومی و عدم شناسایی ارکان، اجزاء، عناصر و مؤلفه‌های توسعه حلقه مفقوده در توسعه ایران است. با توجه به ویژگی‌های نظام اقتصادی- اجتماعی ایران که ارکان آن ناموزون، نامطلوب و ناپایدار می‌باشد و به عبارتی دارای ساختار و کارکرد مناسبی نمی‌باشد. نظام اجتماعی ایران علیرغم وجود پتانسیل‌های لازم و منابع طبیعی سرشار برای توسعه اقتصادی- اجتماعی، توسعه‌ای است تک ساحتی و تک بعدی که ارکان، اجزا و عناصر آن با یکدیگر هماهنگی و ارتباط بهینه نداشته و حالت بیمارگونه و آئمی اقتصادی- اجتماعی به خود گرفته است.

از این رو می‌توان گفت جامعه ایران با توجه به شرایط، اولاً: نیازمند رویکرد بومی است که وجود و شناسایی این رویکرد و گفتمان می‌تواند در کارآمدی، متوازن، پایداری توسعه اقتصادی- اجتماعی و پیشرفت روز افزون کشور نقش به‌سزایی ایفا کند. ثانیاً، رویکرد توسعه فقط توجه به رویکردهای داخلی نیست و نباید از رویکردهای غیر بومی و بین‌المللی برای رسیدن به توسعه اقتصادی- اجتماعی غافل شد در نهایت برای رسیدن به توسعه و توسعه پایدار باید: ۱. رویکرد بومی ۲. رویکرد غیر بومی ۳. تلفیق رویکرد بومی و غیر بومی توجه کرده تا نامفهومی توسعه به فهم توسعه و در نتیجه به گفتمان توسعه تبدیل شود.

پس پایه و اساس تحلیل و تبیین نظری فرآیند و ماهیت توسعه جامعه ایران شامل سه بعد اصلی:

- الف) - رویکرد بومی مرتبط با ارکان، اجزاء و مؤلفه‌های ساختار و کارکردی توسعه
 ب) - رویکرد غیر بومی حاکم بر فرآیند توسعه به عبارتی نحوه تعاملات در چارچوب نظام اقتصاد جهانی
 ج) - تلفیق رویکرد بومی و رویکرد غیر بومی می‌باشد. بعد اول: مربوط به عناصر و مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی بومی. بعد دوم: آن را باید در دیدی گسترده‌تر، یعنی در شرایط غیربومی و جهانی و بعد سوم را در ترکیب دو رویکرد بومی و غیر بومی با یکدیگر مورد ارزیابی و مطالعه قرار داد.

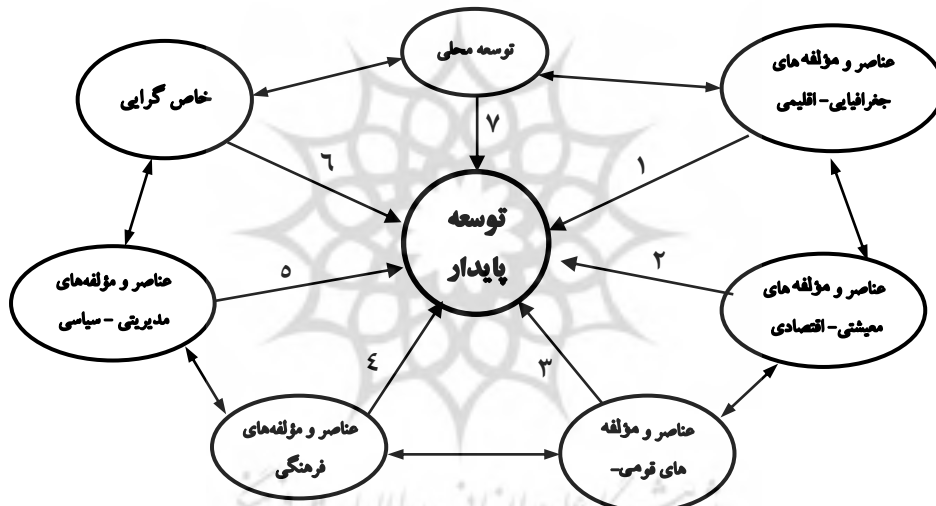


رویکرد نظری نگارندگان



از این رو به نظر می‌رسد تحلیل و تبیین تغییرات ساختار توسعه اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار را باید در ماهیت هر نظام اجتماعی جستجو کرد. در نهایت جهت تحلیل و تبیین ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران از ۵ عنصر و مؤلفه ساختاری سیفاللهی شامل عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی- اقلیمی، معیشتی- اجتماعی، قومی- جمعیتی، فرهنگی، مدیریتی- سیاسی، همچنین دو عنصر و مؤلفه خاص‌گرایی و توسعه محلی که توسط محققان به عناصر و مؤلفه‌های سیفاللهی اضافه شده است استفاده گردید. و شاخص‌های مورد استفاده در توسعه پایدار عبارتند از:

۱- اجتماعی ۲- اقتصادی ۳- زیست محیطی



الگوی نظری و تحلیلی ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی بر توسعه پایدار

روش‌شناسی:

روش پژوهش اسنادی یکی از ویژگی‌های عمده روش‌شناختی در پژوهش‌های علوم انسانی، به‌ویژه مطالعات جامعه‌شناختی با برد کلان، به شمار می‌رود. استفاده نظام‌یافته و هدفمند از روش اسنادی مستلزم آگاهی از زمینه معرفت‌شناختی و جنبه‌های تکنیکی آن است. منابع و اسناد مطالعاتی به مثابه ابزاری برای پی بردن به معانی، مقاصد و انگیزه‌های کنش‌های عاملان اجتماعی و اطلاع از پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شوند (صادقی فسایی، ۱۳۹۴: ۶۴).



در این مقاله برای تحلیل و تبیین ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار ایران که شامل عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی- اقلیمی، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی- اقتصادی، عناصر و مؤلفه‌های قومی- جمعیتی، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی- سیاسی، خاص‌گرایی و توسعه محلی است از روش اسنادی و تکنیک‌های فیش برداری و تحلیل محتوی استفاده شده است.

فرضیه‌های این مقاله عبارتند از:

عناصر و مؤلفه‌های هفتگانه ساختار توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران شامل: عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی- اقلیمی، معیشتی- اجتماعی، قومی- جمعیتی، فرهنگی، مدیریتی- سیاسی، خاص‌گرایی و توسعه محلی بر که توسعه پایدار تاثیرگذار هستند.

دستاوردها و یافته‌ها:

متأسفانه تحقیقات کمی در حوزه توسعه و خصوصاً توسعه پایدار در ایران انجام گرفته است. با عنایت بر اینکه توسعه اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار یکی از مهمترین دغدغه‌های کشورها در رابطه با توسعه جامعه خود می‌باشد. با نگاهی اجمالی به تحقیقات در جامعه ما نشان دهنده این است که مطالعه توسعه پایدار در جامعه ما چندان اولویتی ندارد؛ حال آنکه به نظر نگارندگان توسعه پایدار ارز دیجیتال نوعی توسعه است. تجزیه و تحلیل موانع نهادینه شدن سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران بررسی نهادها و قوانین مرتبط با توسعه پایدار، عملکرد ایران در این زمینه و مقایسه رتبه و امتیاز ایران در شاخص‌های جهانی توسعه پایدار، نشان‌دهنده این است که توسعه پایدار در ایران از جایگاه نهادی و قانونی مناسبی برخوردار نیست. اصولاً توسعه پایدار در برنامه‌های پنج ساله مورد غفلت قرار گرفته و در بودجه‌بندی کشور به توسعه پایدار توجه لازم صورت نگرفته است. ارزیابی راهبردی محیط زیستی در پروژه‌های صنعتی و عمرانی به طور جدی اجرا و پیگیری نمی‌شود و در مجموع می‌توان گفت پارادایم توسعه پایدار در نظام سیاست‌گذاری ایران نهادینه نشده است. جایگاه ایران در هر شاخص با سه کشور برتر انتهای رتبه‌بندی و کشورهای مالزی و ترکیه مقایسه شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ایران به استثنای شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۱ که چهار پله بالاتر از ترکیه قرار دارد، در سایر شاخص‌ها از کشورهای هم‌تراز از جمله ترکیه و مالزی رتبه و عملکرد پایین‌تری دارد. از جمله رتبه ۹۷ در شاخص جامعه پایدار در سال ۲۰۱۰، رتبه ۸۸ در شاخص توسعه انسانی، رتبه ۶۲ در شاخص رقابت‌پذیری در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و رتبه ۹۷ در شاخص رفاه در سال ۲۰۱۱ و در چند شاخص از جمله شاخص فضای کسب و کار در سال ۲۰۱۲ با رتبه ۱۴۴ در سال ۲۰۱۱ و شاخص عملکرد محیط زیستی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ با رتبه ۱۱۴ در بین کشورهای ضعیف قرار دارد. جداول زیر نمره و رتبه ایران را



jssc.2023.1961618.2026/10.30495



در شاخص جامعه پایدار و شاخص عملکرد زیست محیطی در بین سایر کشورها نشان می‌دهد (ملک محمدی و کمالی: ۱۳۹۱).

جدول ۲: رتبه ایران و برخی کشورها در شاخص جامعه پایدار

کشورها	۲۰۰۶		۲۰۰۸		۲۰۱۰	
	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
سوئیس	۱	۵/۷	۱	۶/۷	۱	۶/۷
سوئد	۳	۳/۷	۳	۵/۷	۲	۵/۷
اتریش	۲	۴/۷	۲	۵/۴	۳	۴/۷
مالزی	۳۹	۲۳/۶	۵۱	۲۰/۶	۵۱	۱۹/۶
ترکیه	۶۰	۹/۵	۶۴	۱/۶	۶۹	۱/۶
ایران	۱۰۸	۳/۵	۱۰۳	۶/۵	۹۷	۷/۵
گینه	۱۳۳	۹/۴	۱۴۵	۷/۴	۱۴۹	۷/۴
کنگو	۱۴۸	۵/۴	۱۴۹	۶/۴	۱۵۰	۶/۴
سودان	۱۵۱	۴/۴	۱۵۱	۴/۴	۱۵۱	۵/۴

ماخذ: Sustainable Society Foundation, 2010

همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در گزارشی که با عنوان «بررسی تطبیقی ساختار شاخص عملکرد محیط زیستی (EPI) در سال ۲۰۲۰ با تأکید بر جایگاه ایران» آورده است، در حال حاضر ملاک مقایسه توسعه کشورها؛ وضعیت محیط زیست آن‌ها می‌باشد؛ که ارزیابی وضعیت آن‌ها براساس یک شاخص بین‌المللی با نام شاخص عملکرد محیط زیستی (EPI) صورت گرفته و نتیجه آن، هر دو سال یک‌بار منتشر می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تصریح می‌کند که مقدار شاخص (EPI) از صفر تا ۱۰۰ تعیین شده و امتیاز ۱۰۰ بهترین و صفر بدترین وضعیت محیط زیست است. امتیاز به دست آمده در این شاخص، بیانگر ارتقا یا نزول عملکرد محیط زیستی کشورها نسبت به دوره‌های قبل و نیز رتبه آن‌ها نسبت به سایر کشورهای جهان است. از آنجا که این شاخص، مرکب از مؤلفه‌های مختلف است و در هر دوره با تغییراتی همراه بوده است، لذا اطلاع از اجزا و مؤلفه‌های مورد بررسی برای محاسبه این شاخص طی دوره‌های مختلف و مشخص کردن جایگاه کشورها در هر جزء، ضعف‌ها و نواقص آن‌ها را برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار روشن می‌سازد (همان).



jscc.2023.1961618.2026/10.30495



یافته‌های این تحقیق نشان داد که در جدیدترین گزارش منتشر شده برای اولین بار به موضوع‌های مدیریت پسماند و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای پرداخته شده که کشورهای دانمارک، لوکزامبورگ و سوئیس، سه کشور برتر در این شاخص هستند. جمهوری اسلامی ایران در رده‌بندی (EPI) در سال ۲۰۲۰، با کسب رتبه ۶۷ و امتیاز ۴۸، نسبت به سال ۲۰۱۸ (رتبه ۸۰) از وضعیت بهتری برخوردار شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

جدول ۳: جایگاه ایران در شاخص عملکرد محیط زیست (سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰)

رتبه	سال
۵۳	۲۰۰۶
۶۷	۲۰۰۸
۶۰	۲۰۱۰
۱۱۴	۲۰۱۲
۸۳	۲۰۱۴
۱۰۵	۲۰۱۶
۸۰	۲۰۱۸
۶۷	۲۰۲۰

Source: [http://\(EPI\).yale.edu/reports/](http://(EPI).yale.edu/reports/)

وضعیت عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی - اقلیمی ایران و تاثیر آن در توسعه پایدار:

ساخت جغرافیایی هر کشوری در تاریخ و جامعه آن کشور تاثیر دارد در ایران تاثیر عوامل جغرافیایی بسیار شدیدتر است. در ایران اول از همه مساحت وسیع این کشور مطرح است. حتی در چهارچوب مرزهای کاهش یافته کنونی ایران که حدود ۱،۶۴۵،۰۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد، سرزمینی قرار گرفته که بسیار وسیع‌تر از ایتالیا، فرانسه، سوئیس، آلمان غربی، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ، دانمارک، بریتانیای کبیر و ایرلند است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳).

شرایط جغرافیایی ایران به دلیل مرزهای طولانی خشکی و قرار گرفتن پهنه کشور در خشکی فلات ایران به آن موقعیت قاره‌ای یا بری داده است. ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه، رکورددار بیشترین تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت، همجوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۴۴).



ایران در ضلع جنوبی خود با اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس مرتبط است. خلیج فارس به دلیل ذخایر فسیلی، نقش ارتباطی، موقعیت ژئواستراتژیک و حضور نظامی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، نقشی بی بدیل در سیاستهای توسعه‌ای و امنیتی ایران دارد (مدنی، ۱۳۹۱: ۹۵-۸۷).

فقدان رودخانه‌های بزرگ و آرام نیز در این رهگذر دخیل است. ایران از یک سو فاقد راه‌های آبی ارتباطی داخلی نظیر: نیل، دجله - فرات، سند و گنگ است. و از سوی دیگر کمبود آبیاری وسیع یکی دیگر از عوامل اصلی مرکزیت در دیوانسالاری‌های عریض و طویل و پیچیده را تحقق بخشیده است. مسئله کمبود آب نیز از جمله مشکلات جدی است که سبب بسیاری از ناگواری‌های اجتماعی موجود در ایران بوده است، تاحدی که زمین بی‌آب در ایران عملاً فاقد ارزش بوده است. این موانع اقلیمی زمینه ساز عواقب تاریخی در ایران شده است (علمداری، ۱۳۶۹: ۲۵).

نامنی شبکه‌های ارتباط کشور در برابر تاثیر بنیان‌های طبیعی امری حیاتی است چرا که عناصر جغرافیایی در کنار طبیعت زیبا و پر لطافت در بعضی از مواقع آنچنان خشن و سرسخت می‌شود که جان صدها نفر را گرفته و خسارات جبران‌ناپذیر و تأسف‌باری را به وجود می‌آورد. بنابراین، می‌بایستی هرگونه اقدام در این حوزه بیش از پیش به وسیله متولیان و برنامه‌ریزان تخصصی مورد توجه ژرف قرار گیرد (محمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲).

نتیجه تحقیق سلطانی‌پور و دمار (۱۳۹۵) با عنوان «وضعیت توسعه پایدار در ایران» که به روش توصیفی انجام شده است نتایج نشان داد که بر اساس شاخص‌های کمی جمع‌آوری شده در این مطالعه وضع توسعه پایدار در کشور از منظر شاخص‌های کمی مرگ کودکان و مادران، شاخص توسعه انسانی بهبود داشته است. اما کیفیت هوا، بیکاری، افزایش تورم و سایر آسیب‌های اجتماعی روندی رو به رشد داشته است. مهمترین علل کند بودن روند توسعه پایدار عبارتند از: وابستگی به درآمد نفت، بیکاری، افزایش تورم، بی‌عدالتی در درآمد، وجود فقر، نبود دبیرخانه فراوزارتی توسعه پایدار است. وظیفه بخش سلامت نیز داشتن نگاه جامع به سلامت است.

از راه‌کارهای پیشنهادی می‌توان به گنجاندن دوره‌های آموزشی اصول و فنون مدیریت مبتنی بر توسعه پایدار در آموزش‌های دانشگاهی و ضمن خدمت مدیران اشاره کرد. ایجاد ساختاری فراوزارتی و حتی فراقوه‌ای برای انسجام و هماهنگی در زمینه توسعه پایدار نیز از ضروریاتی است که به نظر می‌رسد با این هدف مطابقت و همخوانی دارد.

وضعیت عناصر و مؤلفه‌های قومی - جمعیتی ایران و تاثیر آن در توسعه پایدار:

فلات ایران ناحیه‌ای جغرافیایی - منطقه‌ای و فرهنگی است که همواره باعث تنوع نژادی و قومی شده است. در این میان تنوع و تکثر اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چند قومی به ترکیب جمعیتی آن، از ترکیب و واقعیتی انکارناپذیر خبر می‌دهد. حضور و



زندگی قومیت‌های مختلف در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزاییک قومی - فرهنگی هویت و تمدن ایرانی است. با اینکه همیشه جای بحث بوده است که قومیت‌ها با توجه به شرایطی که در کشور دارند، می‌توانند باعث ایجاد آشوب در کشور شوند؛ ولی یکی از رایج‌ترین و متعارف‌ترین تبیین‌ها برای وجود شکاف‌های قومی، توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی و توسعه‌ای مناطق مسکونی گروه‌های قومی است. بنابراین، رویکرد اقتصادی، از اصلی‌ترین علل نارضایتی قومی است که باعث بروز تنش در مناطق قومیت‌نشین می‌شود. (ایزدی، ۱۳۸۴: ۴۷).

جامعه ایران، با توجه به ساختار ویژه خود دارای روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی خاصی است. کارکردهای اجتماعی گوناگون در حوزه‌های ساختار اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه قابل تشریح و توصیف است. یکی از حوزه‌های قابل توجه «مدیریت سیاسی» جامعه ایران است. کیفیت و ماهیت «مدیریت سیاسی» جامعه ایران که از شرایط زیست محیطی و گروه‌های قومی - جمعیتی ایران متأثر شده است. ترکیب ویژه قومی - جمعیتی به همراه عناصر فرهنگی جامعه، زمینه را برای ایجاد مدیریت سیاسی غیرقومی، مرکزگرا و یک سوپه فراهم کرده است. استقرار فرهنگ مدیریت مبتنی بر مدیریت مشارکتی مشارکت گروه‌های قومی را دچار مسأله کرده است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۷-۳۳). نتیجه تحقیق با نتیجه پژوهش محمدی و سیف‌اللهی (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با عنوان «رابطه میان ساختار توسعه اقتصادی - اجتماعی و تحولات ساختار جمعیتی نظام خانواده در ایران طی سه دهه اخیر (مطالعه موردی خانواده‌های ساکن شهر تهران سال ۹۵-۹۴» که با استفاده از روش‌های اسنادی، مطالعه میدانی و پیمایشی انجام شده است. یافته‌های اسنادی نشان از رابطه ناگسستگی ساختار توسعه اقتصادی - اجتماعی و تحولات عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی نظام خانواده می‌باشد. مصاحبه با متخصصان نشان از مهم‌ترین تحولات خانواده بر اساس گسترش خانواده هسته‌ای است و یافته‌های پیمایشی نشان از نتایج آزمون t تک نمونه‌ای حاکی از رابطه معنادار میان ساختار توسعه اقتصادی - اجتماعی و تحولات عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی نظام خانواده در ایران طی سه دهه اخیر می‌باشد مطابقت و همخوانی دارد.

وضعیت عناصر و مؤلفه‌های معیشتی - اجتماعی ایران و تاثیر آن در توسعه پایدار:

نگاهی تاریخی به اقتصاد ایران نشان می‌دهد که کشور ما به رغم برخورداری از درآمدهای بالای نفتی در طول سال‌های متمادی، همواره دستخوش رشد اقتصادی پرافت و خیزی بوده است. رشد اقتصادی شاخصی تاثیرگذار در ارزیابی کشورها براساس مفاهیمی چون توسعه یافته یا در حال توسعه است. پیش از انقلاب اسلامی و بین سال‌های ۱۳۳۸ تا پایان سال ۱۳۵۵، میزان تولید ناخالص داخلی کشور با رشد نسبتاً خوبی همراه بود که به تبع آن رشد اقتصادی ایران در طول ۱۷ سال ۵.۵ برابر شد. در



این دوره نرخ رشد اقتصادی بین ۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده است (<http://www.donya-e-> [eqtesad.com/news/404845](http://www.donya-e-)).

براساس سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، ایران تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی باید کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه باشد. همچنین برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب (سند چشم انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴).

علی‌رغم توجه نسبتاً جامع به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در اسناد بالادستی، کشور ایران هنوز در جایگاه مناسب بین‌المللی و منطقه‌ای قرار ندارد. در غیاب گزارش وضعیت اجتماعی داخلی، با مراجعه به برخی رتبه‌بندی‌های جهانی جایگاه این کشور قابل تأمل است. با توجه به مقتضیات اجتماعی- فرهنگی جامعه ایران و روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی، همچنین عدم دستیابی به جایگاه مناسب جهانی مبتنی بر سند چشم‌انداز، سیاست‌گذاری در برنامه‌های توسعه لازم است که مورد بازبینی قرار گیرد و توجه بیشتر به مؤلفه‌های مغفول در اسناد توسعه راهگشا خواهد بود.

اقتصاد ایران به علت چند لایگی و پیچیدگی رکودی که به آن گرفتار است در آستانه ورود به بن بست است. رکود کنونی عمیق‌ترین رکود اقتصاد ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است، چرا که به طور همزمان گرفتار پنج نوع رکود اقتصادکلانی، رکود ساختاری، رکود نهادی، رکود جهانی و رکود درآمدهای نفتی است و خروج از آن فعلاً خارج از مقدورات دولت است (رنانی به نقل از سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۵). واعظزاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران» به این نتیجه رسیدند که پایداری اجتماعی یکی از مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار است که از دهه ۱۹۶۰ به بعد در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف وارد شد. اما به دلیل عدم اجماع بر سر مؤلفه‌ها و جایگاه آن در میان سایر اجزاء توسعه پایدار در عمل به گونه‌های بسیار متفاوتی با آن برخورد شده است. در این مطالعه شاخص‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ایران به روش تحلیل محتوا و در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی بررسی شدند. علاوه بر این، وضعیت گروه‌های هدف در برنامه‌های توسعه و نوع سیاست‌گذاری در رابطه با آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، رویکرد غالب در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ایران، رویکرد نیازهای اساسی است که نیازهایی مانند اشتغال، بهداشت، مسکن و تغذیه را دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال: گروه‌های هدف، روستاییان بیشترین توجه را در هر دو برنامه به خود جلب نموده‌اند، سپس اقشار کم درآمد و در رده بعد زنان، به ویژه زنان سرپرست خانوار قرار دارند. حاشیه‌نشینان، کارگران، جوانان، کودکان و سالمندان به ترتیب از دیگر گروه‌های مهم همسو و یکسان هدف هستند.



وضعیت عناصر و مؤلفه های فرهنگی ایران و تاثیر آن در توسعه پایدار:

برای تحول و توسعه یک کشور، یکپارچگی و انسجام اجتماعی و فرهنگی عامل مهم و تاثیرگذار است و نبود چنین وضعیتی سبب ایجاد موانع بسیار و کند شدن چرخ های توسعه یافتگی می شوند، شواهد و قرائن نشان از آن دارد که در طول تاریخ فرهنگی ایران تاکنون این یکپارچگی و انسجام اجتماعی و فرهنگی دوام نیاورده است و به محض رواج رخدادهای سیاسی، اجتماعی، اقلیمی و محیطی، گسست شیرازه های فرهنگی به طور مشهودی نمایان شده است. در مقایسه با ایران، کشورهای توسعه یافته کنونی و به خصوص جوامع توسعه یافته غربی از انسجام فرهنگی محکمی برخوردار بوده اند که توانسته اند در طول تاریخ این وضعیت را حفظ کرده و در مسیر توسعه و پیشرفت گام های محکم و مؤثری بردارند (شیرین آبادی و مارامایی، ۱۳۹۷).

تحلیلی بر تاریخ فرهنگی کشور نشان از آن دارد که فرهنگ ایرانی بر اثر تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دستخوش تغییر و دگرگونی های زیادی شده است. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران و همجواری آن با بسیاری از اقوام و حکومت های مختلف در طول تاریخ سبب ساز برخوردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری شده و بسیاری از تحولات از جمله جنگ های متعدد عامل دگرگونی پایه ها و عناصر اساسی فرهنگی کشور ایران شده است (همان).

جایگاه فرهنگ در اقتصاد ایران

در آمارهای اقتصادی ایران، سهم بخش فرهنگ در تولید ناخالص داخلی در "امور تفریحی و فرهنگی" لحاظ شده است:

جدول ۴: ارزش افزوده بخش فرهنگی در سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۰

سال	جمع ارزش افزوده رشته فعالیت ها (میلیارد ریال)	ارزش افزوده بخش فرهنگی	درصد سهم فرهنگ از ارزش افزوده
۱۳۹۰	۶۶۱۰۵۸	۵۶۱۸۵	۰/۰۸۴۹۹
۱۳۹۱	۹۰۷۲۰۶۰۲	۷۳۹۰۲	۰/۰۰۰۸۱
۱۳۹۲	۱۲۲۰۶۸۷۸	۶۵۶۵۳	۰/۰۰۵۳۷
۱۳۹۳	۱۲۸۸۱۹۴۰	۱۱۴۸۷۰	۰/۰۰۸۹۱
۱۳۹۴	۱۲۲۶۶۰۲۱	۱۲۸۱۴۳	۰/۰۱۰۴
۱۳۹۵	۱۳۹۸۳۵۶۳	۱۴۸۱۵۰	۰/۰۱۰۵۹
۱۳۹۶	۱۶۸۵۱۸۶۰	۱۷۸۲۸۷	۰/۰۱۰۵۷

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۹۷



بی‌شک، کشورهایی مانند کشور ما که در زمینه زیر ساخت‌های صنعت و تجارت فرهنگی خود را با آهنگ جهانی هماهنگ نکرده‌اند و در مواجهه با کشورهای پیشرو در این زمینه، دچار چالش‌های جدی می‌شوند. هدف صنایع فرهنگی، مفهوم‌سازی، هماهنگ‌سازی، تولید ارتقاء و تجارت کالاهای فرهنگی در قالب‌های مختلف اعم از کتاب، مجله، روزنامه، فیلم و محصولات صوتی و تصویری، ویدئو و نوار کاست، نرم افزار، لوح فشرده و دیگر محصولات است. کشورهایی که به اهمیت استراتژیک فرهنگ و صنایع فرهنگی پی برده‌اند و اقدامات مناسبی را انجام داده‌اند، امروز از نظر اقتصادی و همچنین نفوذ فرهنگی در سطح بین‌المللی، موفقیت‌های ممتازی دارند. در هر صورت، بسیاری از کشورها مانند کشور ما، در این روند جهانی با چالش‌های عمده‌ای در عرصه فرهنگی مواجه هستند. نتیجه تحقیق صادقی و همکارانش (۱۳۸۹)، با عنوان «خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار»، نشان داد که با تغییرات فراگیر در نظام آموزش عالی و تربیت افراد خلاق و نوآور می‌توان گامی در جهت تحقق توسعه پایدار برداشت و تعلیم‌دهندگان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی، نقش مهمی در پرورش خلاقیت دارند، یکسان و همسو می‌باشد.

وضعیت عناصر و مؤلفه های مدیریتی - سیاسی و تاثیر آن در توسعه پایدار:

گستره تاریخ ایران، مملو از جلو رفت و عقب‌گردهای مداوم است. همایون کاتوزیان، به درستی این روند را در قالب تئوری «سیکل باطل استبداد» مورد تبیین قرار می‌دهد. به اعتقاد او، اگر چه مردم ایران در دوره‌هایی با ایجاد این نقاط عطف در بروز خواست‌های نو از حکومت به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند، اما به دلیل وجود موانع متعددی که از ساخت جامعه ایرانی نشأت می‌گیرد، به جای آن که این نقاط عطف به ایجاد یک سیستم با ثبات اجتماعی و سیاسی منجر شود، هرج و مرج و بی‌نظمی را در پی داشته است. این در هم ریختگی اجتماعی تا آنجا تداوم می‌یابد که مردم نهایتاً سیطره یک قدرت مستبد را برای ایجاد نظم به راحتی پذیرا می‌گردند و تاریخ این‌گونه تکرار می‌گردد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۳).

نظام مدیریتی در ایران در طول تاریخ، یک‌سویه و از بالا به پایین بوده است. در انتخاب مدیران و نحوه اعمال مدیریت، کمتر به آرا و خواست‌های مردم توجه شده است. گو اینکه، در برخی از مواقع به این امر تظاهر می‌شود. مردم در تمام جریانات به عنوان سیاهی لشکر و ابزار حکومتی مورد استفاده واقع شده‌اند. مرزبندی طبقاتی و پایگاه اجتماعی بین گروه‌های اجتماعی از یک‌سو و بین گروه‌های اجتماعی از سوی دیگر، مشخص نبوده است. مدیریت در اداره جامعه بیشتر از امر و نهی و ابزارهای سلطه‌گری و زورگویی استفاده نموده است. بنابراین، روابط اجتماعی یک‌سویه، نابرابر و ناعادلانه بین مدیریت و گروه‌های



اجتماعی در جامعه حاکم بوده است. مدیریت جامعه کمتر به گروه‌های اجتماعی و فرهنگی فرصت داده است تا در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت فعال، جدی و واقعی داشته باشد (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶:؟؟؟)

ساختار اداری موجود در ایران، تناسبی با توسعه^۱ و نوسازی^۲ بخش‌های پوسیده متعارض با اوضاع اجتماعی دنیای امروز ندارند. عدم حاکمیت شایسته‌سالاری، ناپایداری مدیریت‌ها و در نتیجه عدم امکان برخورد عالمانه و قاطعانه آنان با امور اداری و در عوض حاکمیت سلیقه‌ها و قدرت گرفتن بیش از حد کارمندان، نفوذ بیش از حد صاحبان قدرت در ادارات، مصالحه و معامله بر سر منافع عمومی، برخوردهای شخصی به جای برخوردهای اداری و در نتیجه بروز فساد اداری و انواع رشوه‌های بانام و بی نام، بها ندادن به علم، تخصص و تجربه، ضعف نظام مالیاتی، کمبود آمار و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد برای استفاده مدیریت‌ها و مسائل متعدد دیگر به موانع مهم پیشرفت کشور و عوامل تعمیق فاصله طبقاتی در جامعه تبدیل شده‌اند. به علاوه اهمیت بیش از پیش قدرت و اقتدار کارمندان به واسطه روابط خویشاوندی و شخصی، اشاعه فرهنگ قیومیت و احترام طبقاتی^۳ مبتنی بر ملاک‌های سنتی قدرت برای رسیدن به مقاصد مورد نظر، باعث شده است مشروعیت عملی ملاحظات قانونی- عقلانی به سخره گرفته شود. هرچند وجود برخی نهادها، سازمان‌ها، هنجارها و شیوه‌های اداری مبتنی بر بوروکراسی عقلانی در ایران امروز واقعیتی انکارناپذیر است (گدازگر، ۱۳۷۹).

نتایج تحقیق هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی» نشان دهنده آن است که با هژمونی گفتمان سازندگی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور؛ این گفتمان مفهومی از عدالت اجتماعی را بازنمایی نمود که بسیار متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از جنگ و لزوم بازسازی خرابی‌های ناشی از آن و حرکت به سمت و سوی رشد اقتصادی به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای سازندگی بود. براین اساس مفهومی اقتصادی با شاخصه اصلی رشد اقتصادی از سوی دولت سازندگی در بازنمایی از عدالت اجتماعی ارائه شد.

اما گفتمان اصلاح طلبی با تأکید بر توسعه سیاسی، همراهی توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی را در جهت تحقق عدالت اجتماعی با نشانه مرکزی کاهش فقر و محرومیت مطرح نمود. و اما آخرین گفتمان، موسوم به گفتمان اصولگرای عدالت محور، که با غیریت‌سازی خود با گفتمان‌های پیشین بر مبنای تعریف خاص از عدالت، اقدام به اجرای طرح تحول اقتصادی نمود. در این مرحله مفهوم عدالت، به معنای توزیع فرصت‌ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور به گونه‌ای که کل کشور باهم و هماهنگ پیشرفت کنند، بود. دولت، در کنار هدفمندی یارانه‌ها، خصوصی‌سازی به شیوه‌ای نوین یعنی پرداخت سهام عدالت را در دستور کار خود قرار داد. همخوانی و مطابقت دارد.

1 . Development
2 . Modernisation
3 . deference



وضعیت عناصر و مؤلفه‌های توسعه محلی و تاثیر آن در توسعه پایدار:

توسعه محلی در ایران اکثراً به نام توسعه محله محور یا مبتنی بر اجتماع محلی ترجمه شده است. در الگوی توسعه محلی، اجتماع محلی خیلی کلی و عام در نظر گرفته شده است، درحالی که در الگوی توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، اجتماع محلی بر بافت‌ها و ساختارهای محلی معطوف و متمرکز است که دارای مسائل و مشکلات اجتماعی باتوجه به ظرفیت‌های توسعه مبتنی بر اجتماع محلی است (قادری و شرف‌خانی، ۱۳۹۸).

از دلایل موفقیت طرح‌های توسعه محلی، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه به صورت منظومه‌ای است. یعنی اینکه تمامی طرح‌های توسعه می‌باید با در نظر گرفتن چهار حوزه اصلی جامعه یعنی فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و محیط زیست اندیشیده، طراحی و اجرا شود. این رویکرد برخاسته از نگرش کل نگر یا توحیدی در برنامه‌ریزی توسعه محلی است که راه حل‌های مقطعی، جزیره‌ای و صرفاً تکنولوژیکی را کارساز نمی‌داند. حتی در هر یک از این حوزه‌ها، مثلاً در ارتباط با طرح‌های عمرانی که برای آسایش مردم در نظر گرفته می‌شود، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی نیز در نظر گرفته می‌شود. از این رو بهره‌گیری از فناوری در توسعه محلی و دهکده‌های سالم وقتی مناسب تشخیص داده می‌شود که ضمن حل یک مسئله در یک حوزه از جامعه در یک یا چند حوزه دیگر خرابی به بار نیآورد.

آموزش ندادن صحیح و کامل برخی قواعد همچون قانون‌گرایی و نیز مصرف صحیح منابع و امکانات در نظام آموزشی، ترویج ندادن ارزش‌های کار، تلاش و ثروت‌اندوزی از طریق رسانه‌ها و نظام آموزشی و... به علاوه ریشه‌های عدم همکاری و فردگرایی را باید در عدم اعتماد افراد به یکدیگر و کار گروهی که افراد در جریان کنش متقابل با یکدیگر آن را می‌آموزند، جست‌وجو کرد (شیرین‌آبادی و مارامایی، ۱۳۹۷). در برنامه‌ریزی توسعه محلی، نیازهای اساسی، چون اشتغال، آب، غذا، انرژی، دفع ضایعات، حمل و نقل، ساخت و ساز و بهداشت و سلامت در چارچوب امکانات محلی تامین می‌شود؛ و تحت هیچ شرایطی توجیهی برای زیاده‌خواهی و چنگ اندازی به امکانات و منابع دیگر جوامع (روستا، شهر یا کشور همسایه) قرار نمی‌گیرد. تحقق پیشرفت بومی در ایران در مقیاس و اندازه انسانی، فرصتی موافق با فرهنگ ایرانی و اسلامی است که ایران را به الگویی الهام بخش از برنامه‌ریزی توسعه محلی در دستیابی به خوداتکایی و خودکفایی در سطح ملی برای جهان اسلام و دیگر کشورها بدل خواهد کرد.

نتایج تحقیق نکویی و همکارانش (۱۳۹۷) با عنوان «تحلیل و بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام» که بر اساس رویکرد پیمایشی به تبیین متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه پایدار پرداخته است؛ نشان می‌دهد زنان بیش از مردان و شهروندان متأهل بیشتر از مجردان بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند. پس از آن با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با احتساب خطاهای اندازه‌گیری سایر متغیرهای پژوهش به ترتیب (عدالت اجتماعی ۸۱ درصد، شاخص های اجتماعی ۴۴ درصد، عدالت فضایی ۳۶ درصد، فقر زدایی ۳۳ درصد، سرمایه اقتصادی ۲۷ درصد، مشارکت اجتماعی ۲۵



درصد، توسعه اقتصادی ۱۶ درصد، تعهد اجتماعی ۱۵ درصد و اعتماد اجتماعی ۱۵ درصد) تأثیر بر توسعه پایدار داشته‌اند. اما توسعه پایدار در بین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی و تحصیلات مختلف یکسان بوده و تفاوت چندانی وجود نداشته است مطابقت و همخوانی دارد.

وضعیت عناصر و مؤلفه‌های خاص گرایي و تأثير آن در توسعه پایدار:

داده‌های مختلف نشان می‌دهند که خاص‌گرایی در دهه‌های پایانی قرن بیستم گسترده‌تر و بیشتر شده‌اند. اگر این نوع نگاه به مسئله را در ارتباط با جامعه ایران مطرح نمائیم ژئوپلیتیک ایران ایجاب کرده است که این کشور به جهت قرار گرفتن در گذرگاه مهاجرت‌های تاریخی، با ترکیب قومیت‌های مختلف در بافت جمعیتی خود مواجه گردد که به تناسب پیشینه تاریخی، تحولات سیاسی و اجتماعی در گستره سرزمینی ایران مستقر گردند. مهاجرت‌های تاریخی بین سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا به سکونت اقوام مختلف و در هم آمیختگی نژادی انجامیده است. موقعیت جغرافیای ایران و مهاجرت‌های اقوام کوچ‌نشین با زبان‌ها و ادیان مختلف در طول سه هزار سال گذشته، منجر به استقرار سه خانواده زبانی آریایی، سامی (عربی، عبری و آسوری) و اورال آلتای (ترکی و مغولی) و نیز ادیانی چون زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام در ایران شده است. این اقوام و گروه‌ها هر یک شاخص‌های فرهنگی خاص خود را دارند (ماندل، ۱۳۷۷: ۲۷).

در جوامعی مثل جامعه ایران با فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، زبان، گویش‌ها و خاص‌گرایی معیارهای انتسابی مانند خویشاوندسالاری، طایفه‌گرایی، قومیت‌گرایی، هم‌زبان، هم‌نژاد بودن و در چند سال اخیر هم‌حزب بودن و حضور در ستادهای نمایندگان (انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و...) در رفتارهای اجتماعی تعیین‌کننده‌اند. مرزبندی با ماهیت سنتی، که هنوز همان معیارهای طایفه‌ای و خاص‌گرایی را ملاک قرار می‌دهد، خود را در عرصه‌های مدرنی چون مدیریت‌ها، تقسیم‌بندی پست‌ها بدون داشتن تخصص، ژن خوب و نوکیسه‌گی بروز می‌دهد. فساد اداری و تمام آسیب‌های ناشی از آن در بسیاری موارد از این پدیده ریشه می‌گیرند. خویشاوندگرایی در تمام ادارات دولتی ایران حاکم است به نحوی که از طریق اسم فامیل‌های موجود در ادارات می‌توان به میزان تسلط طایفه‌ها رسید. شبکه مستحکم خویشاوندی با تمرکز خودی‌ها در یک مرکز قدرت نشان داده می‌شود. این خودی‌ها دارای هویت یکسانی می‌باشند که نمود عینی آن‌ها اشتراک در نام فامیل است. در این فضاهای تمرکز قدرت، هویت‌ها باز تولید می‌شوند. از آنجا که افراد در این استان‌ها و شهرها، در روابط چهره به چهره‌ای از خویشاوندی سیر می‌کنند، نمی‌توانند خارج از این روابط، زندگی روزمره خود را تنظیم کنند. اهمیت محور خویشاوندی باعث می‌شود تا فرد کل روابط سیاسی و اجتماعی‌اش را تحت آن تنظیم کند. در فضای شهرهای دارای بستر عشیره‌ای، وقتی یکی از افراد طایفه به یک موقعیت اجتماعی دست پیدا می‌کند، سعی می‌نماید مسئولیت‌ها و پست‌ها را بدون در نظر گرفتن شایسته‌سالاری در بین اقوام، آشنایان و



دوستان خود تقسیم کند. که این گونه موارد در جهان اول به نسبت جهان سوم کمتر و در جهان سی و سوم بیشتر از جهان سوم می‌باشد.

از نتایج تحقیق به دست آمده سیف‌اللهی و حافظ امینی (۱۳۸۸) با عنوان «برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران»، چنین برداشت می‌شود که عملکرد برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مبین آن است که موانع و تنگناهای بنیادین بر سر راه تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی متناسب و مطلوب برای جامعه ایران به ترتیبی که موجب همگرایی گروه‌های قومی شود، وجود داشته و دارد. آگاهی از موانع و تنگناهای موجود بر سر راه تقویت همگرایی گروه‌های قومی در جامعه ایران، ورود به حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را پیش روی افراد در جامعه قرار می‌دهد.

پیشنهادات و راهکارها:

- ۱) با توجه به اینکه توسعه پایدار یکی از مهمترین مسائل در دنیا و حتی ایران است باید در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی - اجتماعی جایگاه خود را پیدا کرده تا در آینده کشور را با خطراتی مواجه نسازد.
- ۲) توجه و الزام به داشتن پیوست فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در برنامه‌های توسعه و توسعه پایدار جهت جلوگیری از هدر رفت سرمایه و انباشت روزه‌های فساد و اختلاس.
- ۳) دوری از هر گونه جزم‌اندیشی و عدم استفاده از کوتله‌های فکری بدون تخصص در جامعه که در سال‌های اخیر رواج یافته است.
- ۴) ایران از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی در نیم‌کره شمالی و کم‌بارش جهان قرار دارد. و از لحاظ طبیعی با نابرابری‌هایی مواجه است که از سالیان متمادی و زمان‌های گذشته ایرانیان را با مشکل مواجه کرده است. جهت برون رفت و کاهش مشکلات باید به مدیریت منابع طبیعی روی آورد که نمود عینی آن عدم مدیریت را در خشکسالی‌ها و کم‌آبی در سال‌های اخیر خصوصاً از سال ۱۳۹۷ به بعد شاهد هستیم.
- ۵) با توجه به اینکه ایران یکی از کشورهای چند قومی، چند فرهنگی و چند زبانی است؛ برای اینکه در مسیر توسعه متوازن قرار بگیرد باید توجه به مساله اقوام را در اولویت قرار داد. اگر توازن در فرصت‌ها، امکانات، خدمات و بودجه با عدالت و برابری همراه نباشد باعث به وجود آمدن مشکلات امنیتی، اختلافات قومی، قبیله‌ای و نابرابری‌های قومی خواهد شد.
- ۶) علیرغم پتانسیل، ظرفیت و داشتن منابع طبیعی و زیرزمینی (نفت، گاز، معادن مختلف، چهار فصل بودن، مساحت، نیروی انسانی و...) آحاد مختلف مردم از لحاظ معیشتی - اجتماعی در وضعیت مطلوب و مناسب نبوده جهت خروج از این وضعیت در کنار تمامی ارکان و اجزا باید در بهبود



- وضعیت معیشتی- اجتماعی مردم نقش داشته باشند. به شرطی که وجدان جمعی، همبستگی اجتماعی، وقت شناسی، قناعت و مسئولیت پذیری نهادینه شود.
- (۷) متأسفانه نهادهای فرهنگی و دست اندرکاران امر برنامه‌ای برای بهبود وضعیت فرهنگی نداشته و حتی برای کارهای فرهنگی از کسانی بهره می‌برند که هیچ گونه آشنایی با مسائل فرهنگی نداشته و بیشتر نگاه فنی و مهندسی به کارها دارند تا فرهنگی. در این راستا نیز باید کار را به متخصصان فرهنگی و اجتماعی واگذار کرد.
- (۸) دوری از تعارفات بیش از اندازه، افراط‌گرایی، خودستایی دروغین، بدقولی، پرحرفی، دخالت‌گری تا تعهدگری و منطقی بودن در انجام کارها.
- (۹) دوری از مدیریت‌زدگی، خصوصاً در بحث مدیریت. به عنوان مثال وقتی برای پست مدیریتی اعلام نیاز می‌شود بعضی از افراد که خود را لایق‌تر از دیگران می‌دانند برای جلب نظر بالادستان و یا مردم عادی جهت کسب رای اعتماد با انواع برنامه‌های رنگی وعده و وعید می‌دهند؛ اما به محض کسب پست مدیریتی مدنظر، حرف‌های خود را فراموش کرده و شروع به کسب درآمدهای نامشروع می‌نمایند.
- (۱۰) دوری و پرهیز از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های القایی از بالا به پایین بدون داشتن شرایط اجرا در مقابل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از پایین به بالا جهت توسعه محلی و پایدار
- (۱۱) دوری از رانت، ژن سالاری (ژن خوب و برتر در مقابل ژن بد) لمپن‌گرایی و خاص‌گرایی در مقابل عام‌گرایی و تخصص‌گرایی.
- (۱۲) توجه به بخش خصوصی واقعی نه بخش خصوصی که خودش فساد، رانت و اختلاس آور است.

نتیجه گیری:

متأسفانه در کشور ما روند توسعه دست‌خوش تحولات خاصی قرار دارد. علاوه بر این تحولات، عوامل جغرافیایی- اقلیمی، قومی- جمعیتی، معیشتی- اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی- سیاسی، توسعه محلی و خاص‌گرایی که تشکیل دهنده ارکان و اجزا توسعه و در نهایت ساختار توسعه هستند در نامتوازی، توسعه ناپایدار و وضعیت کنونی کشور نقش مهمی دارند.

اگر به ارکان، اجزا، عناصر و مؤلفه‌های توسعه (ساختار) و برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران نگاه کنیم در تمامی دوره‌ها بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی کشور بر اساس نفت بوده و نفت به عنوان اقتصاد تک محصولی کلید حل معمای توسعه نیافتگی ایران به حساب می‌آید و به عبارتی بهتر در تمامی ادوار برنامه‌های توسعه دچار تقلیل‌گرایی از نوع نفت‌گرایی شده است و به سایر حوزه‌ها مثل حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، توجه به توسعه پایدار و پایداری توسعه که می‌توانست کشور را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهد غافل شدند. اجزا، ارکان، عناصر، مؤلفه‌های توسعه و برنامه‌هایی که



می‌توانست ما را در برون رفت از انفعال و شتابزدگی در برنامه‌ها نجات دهد توجهی نشده و نفت تمامی برنامه و ساختارهای توسعه را تحت‌الشعاع خود قرار داده و متأسفانه پایه و اساس توسعه فقط نفت و نفت‌گرایی قلمداد شده است. هیچ وقت به این موضوع توجه نکردیم که باید اقتصاد مصرفی، خام‌فروشی منابع، عقب‌ماندگی نفتی و رانتی را رها کرده و به سمت توسعه پسانفتی یا پسانفتیسم و شناسایی ساختار توسعه‌یافتگی حرکت کنیم. اگر نگاه وسیع و همه‌جانبه‌نگر به سایر حوزه‌ها، پتانسیل‌ها و ساختار توسعه داشته باشیم توجه به نفت هم می‌تواند در توازن‌بخشی، پایداری توسعه، رسیدن به توسعه همه‌جانبه و توسعه پایدار نقشی بی‌بدیل ایفا کند.

در واقع تغییرات گسترده جهان، تکنولوژی، شرایط تاریخی، نبود برنامه، عدم سیاست‌گذاری روشن، نقشه و الگوی توسعه، شرایط طبیعی، عدم شناسایی ارکان و اجزا توسعه، نبود گفت‌وگو توسعه، شرایط تاریخی، عدم آینده‌نگری راه را بر توسعه و توسعه پایدار کشور بسته و باعث بروز ناموزونی و نامتوازی در شاخص‌های جغرافیایی- اقلیمی، قومی- جمعیتی، معیشتی- اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی- سیاسی، توسعه محلی، خاص‌گرایی و توسعه پایدار شد.

با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه ایران، وظیفه‌ی نخبگان اجتماعی، جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان اجتماعی و سیاست‌گذاران اجتماعی-اقتصادی است که با بررسی و تبیین ارکان، اجزا و مؤلفه‌های توسعه و شرایط حاکم بر ویژگی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی راهکارها و پیشنهادهای لازم را برای عبور از وابستگی، بالا بردن رفاه و نشاط اجتماعی، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی برای رسیدن و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار ایجاد نمایند.

هم چنین نبود پارادایم مناسب و چارچوب نظری در ساختار توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران باعث بروز و مواجه شدن جامعه با مسائل و معضلات اجتماعی مانند فقر، سرقت، کودکان کار و خیابانی، تکدی‌گری، همسرآزاری، خودکشی، اعتیاد، حاشیه‌نشینی به خصوص آسیب‌های نوظهور مانند تغییرات جنسی، زباله‌گردی و دوره‌گردی زنان، خودکشی بی‌هنجاری مدگرایانه^۱، ازدواج‌های سفید و اجاره‌ای، طلاق الگویی، بیماری‌های روانی و افسردگی، تجردگرایی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت و فرزندآوری، پیری جمعیت و مسائل جمعیتی، مهاجرت توده‌ای، اقتصادی، محیط زیستی (توسعه پایدار) شده است. با این اوصاف می‌توان گفت که توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران هنوز توسعه ناپایدار و ناموزون است که این موارد خود را در انواع مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی نشان داده است.

اگر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی-اجتماعی باهم هماهنگ و متوازن باشند باعث رسیدن به اهداف رفاه اجتماعی و اقتصادی خواهند شد. همچنین این فرآیند باعث رابطه همگون و موزون نظام اجتماعی،

۱. دورکیم از چهار نوع خودکشی در زمان و جامعه خود نام می‌برد: ۱. تقدیرگرایانه ۲. خودخواهانه ۳. دگرخواهانه ۴. بی‌هنجاری مورد پنجم که توسط نگارندگان بیان شده است نوعی از خودکشی است که در کنار بی‌هنجاری و شرایط جامعه، برای افراد جامعه خودکشی بیشتر الگو شده است.



jscc.2023.1961618.2026/10.30495



اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و محیط طبیعی با یکدیگر می‌شود. علاوه بر اینکه به تولید ناخالص داخلی (درآمد)، بهبود شرایط تولید، متوازن شدن ساختار توسعه اقتصادی- اجتماعی و تغییرات اساسی در ساخت و کارکردهای نهادی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌شود.





jscc.2023.1961618.2026/10.30495



منابع:

- اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «مواجهه با مشکلات و توسعه درونزا»، صفة، دوره دوازدهم شماره ۳۴، بهار و تابستان: ۴۷-۴۱.
- اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «طراحی و بازسازی روستاهای بهم با نگاه به توسعه پایدار»، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بهم، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، نشر انشاء.
- ایزدی، ح. (۱۳۸۴)، «دورنمایی از تأثیرات جهانی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی»، مصباح، سال دهم شماره ۳۷: ۷۶-۵۷.
- پیت، ریچارد، هارت ویک، الین (۱۳۸۴)، نظریه‌های توسعه ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، نشر لویه. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۴)، توسعه پایدار، تهران، انتشارات سمت.
- سالنامه آماری ایران (۱۳۹۷)، مرکز آمار ایران.
- سند چشم انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴)، مبانی جامعه‌شناسی، گناباد: نشر مردنیز، چاپ اول.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: نشر جامعه پژوهان سینا، چاپ اول
- سیف‌اللهی، سیف‌الله و امینی، حافظ (۱۳۸۸)، «برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، دوره سوم، شماره ۲، ۹۸-۶۷.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی اجتماعی ایران، جامعه پژوهان تهران: سینا.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۸)، نظریه پردازی در روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- شیرین‌آبادی، علی و مارامایی، عزیز (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر ریشه‌های فرهنگی و عدم توسعه یافتگی ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۵۲۰.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی»، راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹، ۶۱-۹۱.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۸)، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، تهران، نشر توسعه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گسترده.
- فوران، جان (۱۳۹۰)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران. نشر رسا.
- قادری، صلاح‌الدین و شرف‌خانی، جعفر (۱۳۹۹)، «توسعه مبتنی بر اجتماع محلی (محلّه محور) از ایده تا عمل، مورد مطالعه: توسعه مبتنی بر اجتماع محلی در شهر تهران»، فصلنامه توسعه محلی (روستایی) - شهری، دوره دوازدهم، شماره ۱: ۱۰۳-۱۲۶.



jssc.2023.1961618.2026/10.30495



- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۳)، دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه حسن افشار. تهران. نشر مرکز.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات نشر مرکز.
- کدی، نیکی آر (۱۳۸۳)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: علم.
- کریمی، پوری (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- گلدازگر، حسین (۱۳۷۹)، انواع بوروکراسی و توسعه فرهنگی (رویکردی وبری)، تبریز، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۴۳، شماره ۱۷۵-۱۷۶، ۲۲۹-۲۵۶.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۱، زمستان.
- محمدی، مجید (۱۳۸۸)، جامعه مدنی ایران، نشر مرکز.
- مدنی، شیما (۱۳۹۱)، برآورد سهم مشارکت دریاها و اقیانوس در اقتصاد ملی ایران. اقیانوس‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۲: ۸۷-۹۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی ساختار شاخص عملکرد محیط زیستی (EPI)، در سال ۲۰۲۰ با تأکید بر جایگاه ایران.
- مصلى نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴: ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
- ملک محمدی، حمیدرضا و کمالی، یحیی (۱۳۹۱)، «تحلیل نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه پایدار در ایران: بررسی موانع و ارائه مدلی برای آن»، فرآیند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، تابستان ۹۲ - شماره ۲: ۱۶۱-۱۸۶.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۹۳)، استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، نشر نی، چاپ سوم.

Pearce, D. (2007a) Sustainable development D.A. Clark (Ed.) , The Elgar Companion to Development Studies, Edward Elgar, Cheltenham, UK (2007) , pp. 615–619.

Pearce, D. (2007b) Sustainable consumption D.A. Clark (Ed.) , The Elgar Companion to Development Studies Edward Elgar, Cheltenham, UK, pp. 612–615.



jssc.2023.1961618.2026/10.30495



WCED (1987) Our Common Future. World Commission on Environment and Development, Oxford University Press, Oxford/New York.

Sustainable Society Foundation, 2010

<http://wdi.worldbank.org/tables>

<http://www.donya-e-eqtesad.com/news/404845>

اقتصاد دنیای اینترنتی روزنامه <http://donya-e-eqtesad.com>

<http://www.asriran.com/fa/news//841585>

